

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۰۷ نومبر ۲۰۲۱

عقد جیوپولیتیک امریکا



سه دهه از پایان جنگ سرد می گذرد ولی با این حال برخی مقامات در واشنگتن همچنان از نگاه خود به جهان از طریق دریچه های «جمع صفر» و متعاقب آن ایجاد «دشمنان فرضی» دست نکشیده اند و می توان گفت که ریشه این ذهنیت بی مورد و خطرناک امریکائی ها نیز تمایل آنها به هژمونی و سلطه جوئی های جهانی است.

این سخت گیری های مهار نشده در عرصه سیاست توسط مقامات امریکائی تهدیدی برای ایجاد بی ثباتی در نظم جهان پس از جنگ محسوب می شود؛ منظور، نظم جهانی است که تا حد زیادی صلح و ثبات را در طول هفت دهه گذشته و بیشتر در دنیا تضمین کرده است.

این مقامات سرسخت امریکائی در طول سال های اخیر به تلاش های خود برای مجسم کردن چین به عنوان «عامل جدید وحشت جهان» افزوده و تئوری به اصطلاح «تهدید چین» را هر جا و هر زمانی که برایشان مقدور بوده است، مطرح کرده اند.

اوایل ماه جاری میلادی (اکتوبر) بود که با وجود شفاف سازی مکرر چین مبنی بر این که صرفاً به آزمایش یک فضاییمداری قابل استفاده مجدد بدون هیچ گونه پیامد نظامی پرداخته است، برخی جنرال های ارشد در واشنگتن سریعاً به خاطرات جنگ سرد خود رجوع کردند و به تکرار اصطلاح «بحران اسپوتنیک» پرداختند که اصطلاحی است که در اوج عصر اختلاف میان امریکا و اتحاد جماهیر شوروی بر سر برتری جهانی شکل گرفت!

طرح ادعاهای بی اساس علیه چین توسط امریکائی ها مبنی بر این که بیجینگ یک راکت مافوق صوت آزمایش کرده است و به راه انداختن جنجال بحران اسپوتنیک بعد از آن، بار دیگر بدگمانی و پارانوای سرسختانه مبتنی بر ذهنیت جنگ سرد و واشنگتن و همچنین عقده این کشور جهت تحقق رؤیایش برای سلطه بر جهان آن هم در رویکردی متناقض با ضرورت چند جانبه گرایی و جهان چند قطبی را به تصویر کشید.

در طول سال های گذشته، هر زمان که چین در زمینه هائی که واشنگتن «تهدید کننده» می داند، از جمله تکنولوژی های نسل ۵ و فناوری های مرتبط با اکتشافات فضائی، به پیشرفتی رسید، غوغای بزرگی به راه افتاد با این ادعا که چین در حال پیشروی سریع و متعاقب آن یک بحران اسپوتنیک جدید در حال ظهور است.

برای آن دسته از مقامات امریکائی که دارای چنین طرز تفکر منسوخ و تعصبات ایدئولوژیک هستند، پیشرفت و دستاوردهای چین همیشه از همان منشور بازی جیوپولیتیک «اگر تو برنده شوی، من می بازم» نگریسته می شوند و این دقیقاً همان رویکرد واکنش امریکا در قبال دستاوردهای اتحاد جماهیر شوروی در سال های جنگ سرد است.

حقیقت این است که یکی از دلایل کلیدی اضطراب و نگرانی بیش از حد امریکا نسبت به پیشرفت طبیعی سایر کشورها، جنبه روانی است. حتی قبل از استقلال امریکا، آن دسته از مهاجران آنگلوساکسون که به این مستعمره سابق بریتانیا گریختند، خود را با این افسانه که آنها «برگزیدگان خدا» هستند، مسحور نمودند!

همانطور که دکتر «هنری کیسینجر» نیز در کتاب خود با عنوان «نظم جهان» نوشته است، امریکائی ها بر این باورند که اینطور مقدر شده است که کشور آنها سرنوشت بشریت را شکل دهد. از نگاه این امریکائی ها، این به اصطلاح «شهر درخشان بر فراز تپه» (امریکا) همیشه باید پیشرو باشد و هیچ دلیلی برای عدم پیروی از آن وجود ندارد! به همین دلیل است که وقتی اتحاد جماهیر شوروی توانست در سال ۱۹۵۷ میلادی ماهواره اسپوتنیک خود را با موفقیت در مدار زمین قرار دهد، حال و هوای امریکائی ها به شدت به هم ریخت!

همزمان با این که امریکا در یک جو سیاسی سمی حزبی گیر کرده است، گزافه گوئی برخی سیاستمداران دموکرات و جمهوریخواه این کشور درباره اصطلاح «تهدید چین» را می توان یک ابزار سیاسی مناسب در دست آنها برای پیشبرد برنامه های داخلی و دستور کار سیاست خارجی شان توصیف کرد.

به عبارت دیگر، مقامات امریکائی برای ساخت زیرساخت های داخلی شان به چین التماس می کنند ولی وقتی به دنبال افزایش هزینه های نظامی شان هستند، چین را بهانه ترساندن مردم می کنند و زمانی که به دنبال تقویت تسلط خود در سایر نقاط جهانند، تقریباً می توان گفت که همیشه زنگ خطر چین را تا جائی که می توانند، بلند به صدا در می آورند! اضطراب هژمونیک واشنگتن و تلاش هایش برای دشمن انگاری چین، صرفاً صلح و ثبات منطقه را به خطر انداخته است. طبق مقاله اخیر منتشر شده در مجله «فارن افرز»، واشنگتن با توسل به رویکرد افراط گراییه نظامی خود در قبال آسیا به عنوان ابزار مهار توسعه چین، در حال تشدید تنش ها و افزایش خطر درگیری است؛ فارن افرز نوشته که نظامی گری افراطی واشنگتن در حال تبدیل آسیا به یک انبار باروت است.

بر اساس داده های مؤسسه تحقیقات صلح بین المللی ستکهلم، با وجود این که امریکا بیش از مجموع ۱۱ کشور طبقه بندی شده در سال ۲۰۲۰ در زمینه های دفاعی خود هزینه کرده است، اما همچنان از ادعای این که امنیت ملی اش در خطر است، دست بر نمی دارد!

جهان در طول چند سال گذشته شاهد بوده است که واشنگتن چگونه به بزرگ ترین عامل نظامی گری در بحیره چین جنوبی و خطرناک ترین عامل در تخریب صلح منطقه تبدیل شده است. از همه نگران کننده تر این است که واشنگتن از بازی با کارت تایوان برای مختل کردن چرخه حرکتی چین به سوی اتحاد مجدد و توسعه ملی دست بر نمی دارد!

اقدامات آشکار آمریکا از جمله فروش مکرر تسلیحات به تایوان، اعزام ناوهای جنگی امریکائی از طریق تنگه تایوان و افزایش روابط رسمی با مقامات تایوانی باعث تضعیف بنیان اساسی روابط بیجینگ-واشنگتن شده و تا حد بسیار زیادی به صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان خسارت زده است.

چین و آمریکا دو اقتصاد بزرگ دنیا هستند و قرار نیست که بر اساس پیش بینی جنگ طلبان کوتاه فکر ضد چین در واشنگتن رقیب یک دیگر باشند. عده کمی هستند که با این حقیقت که همکاری این دو اقتصاد، سود و رؤیائی آنها ضرر است، مخالفند. این حقیقت زمانی بارزتر می گردد که جامعه جهانی با سیلابی از دشواری های اضطراری از جمله تغییرات اقلیمی و تروریسم مواجه می گردد.

دولت فعلی آمریکا اخیراً گفته است که به دنبال شروع یک جنگ سرد جدید با چین نیست؛ با این حال آمریکا باید با اقدامات عملی به تعهدات خود بپردازد و نه با اقدامات تحریک آمیز!

واشنگتن باید با چین مطابق با رعایت اصل برابری و احترام رفتار کند به ویژه وقتی پای منافع محوری و کانونی بیجینگ در میان است؛ در این بین، جنگ طلبان واشنگتن باید از اعتیاد خود به فلسفه سیاسی منسوخ شده شان دست بکشند و از گشایش، چند جانبه گرایی واقعی و سایر اصول مربوط به جهان در هم تنیده شده امروز تبعیت کنند.

واشنگتن باید به جای فریب خوردن به واسطه آنچه استثناء گرایی غیر قابل توجیه آمریکا تلقی می شود و یا پرداختن به عقده بی اساس «تهدید چین»، به مشارکت برابر و همزیستی مسالمت آمیز با چین و دیگر کشورها روی بیاورد تا بتواند با این رویکرد به عنوان یک ابرقدرت مسؤول در جهان آتی وارد عمل شود.

persian.cri.cn